



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22517758.1401.12.3.1.0>

اعتباریابی و طراحی الگوی تربیت اقتصادی - حرفه‌ای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه

ایوب ویسه^۱، فائزه ناطقی^۲، محمد هاشم رضایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۲

چکیده

این تحقیق با هدف اعتباریابی و طراحی الگوی تربیت اقتصادی - حرفه‌ای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه انجام گرفته است. روش تحقیق کیفی ولی کاربردی بوده، تحلیل داده‌ها بر اساس کیفی استراس و کوربین صورت گرفته است. جامعه آماری را صاحب نظران دانشگاهی در رشته‌های برنامه ریزی درسی و تربیت اقتصادی شاغل در دانشگاه‌های ایلام در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل داده است. حجم نمونه ۳۰ نفر به اقتضای تحقیقات کیفی بوده است که به پیروی از نمونه‌گیری در حد اشباع در تحقیق مشارکت داده شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها چک‌لیست‌های تحلیل محتوا، مصاحبه‌های دانش‌آموزان و پرسشنامه اساتید دانشگاه بوده است که از طریق کدگذاری و بهره‌برداری از نرم افزار مکس کیودا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روایی پرسشنامه از طریق کسب ضریب توافق دو نفر ارزیاب مجرب به دست آمد. کسب ضریب ۰/۷۳ حاکی از روایی ابزار بوده است. جهت اطمینان از پایایی پرسشنامه، از طریق آزمون کرنباخ مورد بررسی قرار گرفت. کسب ضرایب شرایط علی (۰/۸۳۹)، شرایط مداخله‌گر (۰/۸۷۰)، زمینه‌های مؤثر (۰/۹۲۵)، راهبردهای اقتصادی (۰/۹۱۳)، پیامدهای تربیت اقتصادی (۰/۷۶۳)، کل پرسشنامه (۰/۹۵۱) نشان دهنده پایایی با ثبات اندازه‌گیری آن بود. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که تربیت اقتصادی - حرفه‌ای دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه در تحقق اهداف هشتگانه در سطح متوسط قرار داشته است. بالاترین سطح را «درک مهارت حرفه‌ای» به خود اختصاص داد و پایین‌ترین سطح را «بسط عدالت اقتصادی» تشکیل داده بود.

واژه‌های کلیدی: تربیت اقتصادی - حرفه‌ای، الگوی تربیت اقتصادی - حرفه‌ای، اعتباریابی.

۱- دانشجوی دکتری گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی اراک، ایران pnu.ayob@yahoo.com

۲- دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران (نویسنده مسئول) fn1345@gmail.com

۳- استادیار گروه علوم تربیتی واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک ایران.. mh_rezaee@yahoo.com

مقدمه

قضاوت و رفتارهای مستدل و عقلایی را در یک دنیای پیچیده و متحول از خود نشان دهند (پیغامی، ۱۳۹۵). بنا به ضرورت‌های جامعه کنونی آموزش و پرورش ناگزیر گردیده است، آموزشی چون کار و فناوری را در دستور کار خود قرار دهد. بر همین اساس در دوره‌های ابتدایی و متوسطه‌ی اول به ارایه‌ی این آموزش پرداخته است. هدف از این آموزش این است که دانش آموزان با حرفه و مشاغل آشنا شوند، فرایند کسب‌وکار را ادراک نمایند، کاربرد فناوری را در کسب‌وکار متوجه شوند و نیز با آموزه‌های اسلامی در زمینه‌ی کسب‌وکار آشنا شوند. در واقع در تربیت اقتصادی و حرفه‌ای دانش آموزان، آموزش متناسب با سطح دانش، مهارت و نگرش آن‌ها ارایه می‌شود تا در بهره‌برداری از منابع و درآمد مشروع در آینده‌ی شغلی خود توانمند باشند (موسی زاده، ۱۳۹۴). در برنامه درسی کار و فناوری دوره اول متوسطه اهداف ویژه‌ای نهفته است مانند درک مهارت حرفه‌ای، اخلاق حرفه‌ای، کارآفرینی، حفظ و توسعه ثروت، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره‌وری، بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب‌وکار و التزام به اخلاق و ارزش‌ها در روابط اقتصادی (احدی، ۱۳۹۴). توجه به اهمیت و ضرورت دانش و شایستگی‌های ساحت اقتصادی و حرفه‌ای تربیت تا جایی است که از این حوزه تعبیر به سواد اقتصادی و مالی شده است. تلقی از سواد در گذشته صرفاً توانایی خواندن و نوشتن را شامل می‌شد که فرد را قادر می‌ساخت در فعالیت‌های پیرامون خود، مشارکت کند (طیبی،

در دوران کنونی مشکلات اقتصادی و حرفه‌ای در سطح ملی و جهانی بیش از سایر مشکلات آشکار گردیده است و اقتصاد به یک پدیده‌ی غالب در جامعه تبدیل شده است؛ به همین دلیل ساختارهای حکومتی به ویژه نهاد تعلیم و تربیت بیش از پیش درصدد برآمده‌اند تا در راستای تربیت اقتصادی و حرفه‌ای دانش-آموزان و دانشجویان گام بردارند (موسی زاده و صنعتی، ۱۳۹۶، ص ۷۹). شاید بتوان اصلی‌ترین هدف همه جوامع را پیشرفت در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی دانست. جهان امروز دریافته است که تعلیم و تربیت آشکار و ضمنی افراد نوعی سرمایه‌گذاری ملی است و هر کشوری که در این راه تلاش بیشتری نماید، بدون شک از ثمرات آن در آینده برخوردار خواهد شد. بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و توسعه در جوامع پیشرفته نشان می‌دهد که همه این کشورها از نظام تربیتی توانمند و کارآمدی برخوردار هستند. این کشورها نسبت به هرگونه ضعف در فهم مفاهیم و مهارت‌های مربوط به تصمیم‌گیری و تحلیل اقتصادی حساس بوده و برنامه‌هایی را غیررسمی تدارک می‌بینند (طغیانی، ۱۳۹۵، ص ۱۲). آن‌گونه که در بررسی اجمالی از مستندات این قبیل برنامه‌ها، اهداف و محتوای آنها به دست می‌آید، هدف از این آموزش‌ها، فهم خوب و کافی از دانش اقتصاد برای آحاد آن جامعه است؛ به نحوی که در عرصه مسائل اقتصادی شخصی و مسائل پیچیده‌تر از قبیل سیاست‌های اقتصادی کشور، بتوانند ادراک،

مبانی درآمدها و توزیع درآمد، بیکاری، سرمایه‌گذاری، تورم و خطرپذیری اقتصادی آشناسی و ارزش کارآفرینی و کسب‌وکار را می‌داند و این مجموعه سواد اقتصادی و حرفه‌ای را صرفاً به صورت عناوین کلی درک و فهم اقتصادی، درک و فهم حرفه‌ای، کارآفرینی، بهره‌وری، حفظ و توسعه ثروت ملی، عدالت-گرایی اقتصادی، کیفیت‌گرایی و انضباط مالی تعریف می‌کند و برای هر یک ویژگی‌هایی مانند آشنایی با مفاهیم پایه اقتصادی (پول، بودجه، پس‌انداز)، آشنایی با مالکیت خصوصی و عمومی، آشنایی با ساختار اقتصادی جامعه برمی‌شمرد (ادیب، ۱۳۹۵). با توجه به تأکیدات سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش بر ساحت اقتصادی و حرفه‌ای و نیز تعریف سواد اقتصادی و حرفه‌ای به عنوان یکی از انواع سواد لازم برای نسل حال و آینده به نظر می‌رسد توجه به تدوین چارچوب محتوایی این نوع سواد به ویژه در شرایط اقتصادی مقاومتی باید مورد توجه قرار گیرد. چه اینکه در اقتصاد مقاومتی شکل‌گیری تفکر و سپس رفتارهای متناسب از ضروریات نیل به اهداف عالی نظام اسلامی است (بصیرتی بزرگی، ۱۳۹۵). پیشینه موجود نشان می‌دهد علی‌رغم تأکید اسناد بالادستی بر ضرورت پرداختن به تربیت اقتصادی و حرفه‌ای در آموزش و پرورش آن‌گونه که شایسته و بایسته بوده است به این مهم پرداخته نشده است. آموزش و پرورش به عنوان نهاد مسئول در تربیت نیروی انسانی می‌بایست به تربیت سواد مالی دانش‌آموزان بپردازد. اگر در برنامه درسی رسمی از این موضوع غفلت شود،

به عبارتی دیگر با سواد به معنای دارا بودن قابلیت استفاده از مواد و متون مکتوب و نیز مهارت‌های فنی مرتبط با رمزگردانی و رمزگشایی آن‌ها بود. در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی سواد به مجموعه‌ای از قابلیت‌ها اطلاق شد که بسیار فراتر از خواندن و نوشتن مشتمل بر قابلیت‌های چندگانه کاملاً متأثر از بعد اجتماعی - فرهنگی هر جامعه یعنی ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های آن‌ها است. در این راستا بیانیه رسمی یونسکو در «دهه سواد سازمان ملل متحد» (۲۰۱۲-۲۰۰۳) مطابق با این برداشت جدید سوادهای چندگانه و چندبعدی را مورد توجه قرار داده و به رسمیت شناخت (نعیم آبادی، ۱۳۹۳). تعریف سواد به عنوان مجموعه‌ای از قابلیت‌ها، سبب شد که طبقه‌بندی‌های مختلفی نیز برای این امر از سوی صاحب‌نظران عرضه گردد. اما با این حال سواد اقتصادی و مالی به عنوان جزیی جدایی‌ناپذیری از طبقه‌بندی‌های مختلف سواد همواره مورد توجه قرار داشته و دارد (ابراهیمی هرستانی و دیگران، ۱۳۹۵). مجموعه «انسان مطلوب نظام آموزش- و پرورش در افق چشم‌انداز بیست‌ساله» که به عنوان یکی از اسناد پشتیبان نقشه جامع علمی کشور منتشر شده است، سواد اقتصادی و حرفه‌ای را به توانایی شناسایی مسائل اقتصادی، هزینه‌ها، منافع، تجزیه و تحلیل انگیزه‌ها در موقعیت‌های اقتصادی، بررسی پیامدهای تغییر در شرایط اقتصادی و سیاست‌های عمومی، گردآوری و سازمان‌دهی شواهد اقتصادی و وزن دهی هزینه‌ها در برابر مزایا و منافع تعریف می‌کنند (کاظم‌پور، ۱۳۹۸). چنانچه با سواد اقتصادی با

های دوران کنونی در سطح ملی و جهانی و چه به لحاظ ضرورت‌های تربیت نیروی انسانی و مهارت آموزی دانش آموزان پرداختن به تربیت اقتصاد و حرفه‌ای به صورت رسمی اجتناب ناپذیر گردیده است. تربیت اقتصادی- حرفه‌ای یکی از مفاهیمی است که در دوران معاصر مورد توجه قرار گرفته و ضرورت توجه دست اندرکاران نظام آموزشی نسبت به آن بیش از پیش مطرح شده است. در ادبیات متعارف منظور از تربیت - اقتصادی تدارک برنامه‌ها و اقدامات هدف‌مندی است که برای فرهنگ‌سازی در حوزه اقتصاد به اجرا درمی‌آید (موسی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۸) و تربیت حرفه‌ای تحولی در همه‌ی گستره‌ی وجودی انسان زمینه ساز ظهور مهارت‌های تازه در فرد در بستر تحولی در ساختار معرفتی، میلی و ارادی عنوان شده است (نادری و همکاران، ۱۳۹۷). بدیهی است که برای پرداختن به تربیت اقتصادی-حرفه‌ای جهت دوره‌های سنی گوناگون از کودکی تا بزرگسالی به تناسب مراحل رشدی و نیازمندی‌های آنها اقدام می‌شود. هدف این نوع آموزش‌ها این است که مفاهیم اقتصادی را بدانند، مهارت تفکر اقتصادی را کسب کنند و ضمن بهره‌مندی از یک منطق فکری، قابلیت تحلیل شرایط اقتصادی را داشته باشند (طغیانی، ۱۳۹۵، ص ۱۳)؛ درک و مهارت حرفه‌ای، توانایی در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای، التزام به اخلاق حرفه‌ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره‌وری، تلاش جهت حفظ و توسعه‌ی ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین و کسب و کار، احکام

در برنامه درسی پنهان نیز دانش آموزان محروم خواهند بود (هاشمی و خدابخشی، ۱۳۹۶). امروزه این اعتقاد وجود دارد که زندگی آینده‌ی دانش‌آموزان معطوف به داشتن دانش و مهارت به‌هنگام است. در روزگار اقتصادی کنونی در اختیار داشتن آموزه‌های اقتصادی از ضرورت‌های جامعه به شمار می‌رود (طیبی، ۱۳۹۶). یافته‌های یک تحقیق نشان داده است کمترین تأکید در برنامه‌های درسی بر ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای بوده است (وفایی، ۱۳۹۶). این درحالی است که آموزش و پرورش می‌بایست برای تقویت روحیه‌ی کارآفرینی دانش آموزان گام اساسی بردارد (محبوبی و کریمی، ۱۳۹۶). به همین دلیل ضرورت داشته است در برنامه‌های درسی مؤلفه‌های تربیت اقتصادی و حرفه‌ای مورد توجه قرار گیرد (آریان‌فر، ۱۳۹۵). گفته شده است برنامه درسی پنهان در نظام آموزشی یک تولیدکننده‌ی غیرمستقیم محسوب می‌شود. اگر در روابط دانش آموزان یا مدرسه تربیت اقتصادی و حرفه‌ای حاکم باشد، خروجی آن دانش‌آموزانی با روحیه و مهارت اقتصادی - حرفه‌ای خواهد بود (اورون سمپر^۱، ۲۰۱۸). امروزه در بسیاری از کشورها شایستگی‌های فناورانه معطوف به تربیت اقتصادی و حرفه‌ای آموزش داده می‌شود (پریدان^۲، ۲۰۱۷، بهادر خادکا^۳، ۲۰۱۶، موتون رائو^۴ اوجو^۵، ۲۰۱۶، برودبریج^۵، ۲۰۱۴، سوئدبرگ^۶، ۲۰۱۱). بنابراین چه به لحاظ ضرورت-

¹ Oron simper

² pridan

³ Bahadur khadka

⁴ Motunrayo ojo

⁵ Broadbridge

⁶ Swedberg

کمال و سعادت مطلوب (موسی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۹). نظر به اینکه در برنامه‌های رسمی آموزش و پرورش ایران به تربیت اقتصادی- حرفه- ای پرداخته شده و در محوری‌ترین سند رسمی یعنی سند تحول بنیادین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی- حرفه‌ای معرفی شده تا دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت آن را عملیاتی نمایند، انتظار می- رود دستگاه تعلیم و تربیت سازوکارهای لازم برای عملیاتی ساختن این مؤلفه‌ها را فراهم نموده باشد. این موارد عبارتند از: درک مهارت حرفه‌ای، التزام به اخلاق حرفه‌ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره‌وری، حفظ و توسعه ثروت، بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب و کار، احکام و معاملات و التزام به اخلاق حرفه‌ای، در روابط اقتصادی- حرفه‌ای (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). بدین ترتیب در تربیت اقتصادی- حرفه‌ای، آموزش و پرورش ناگزیر است در برنامه‌های درسی ترتیبی اتخاذ نماید تا مؤلفه‌های نه‌گانه‌ی مذکور به تناسب پایه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان آموزش داده شود. بدیهی است که در کنار این آموزش آشکار که به صورت رسمی اجرا می‌شود، برنامه‌درسی پنهان نیز بروز و ظهور خواهد داشت. در برنامه‌درسی پنهان مواردی چون معماری فضای آموزشی، ساختار اجتماعی و اداری مدرسه، تعامل بین معلمان و شاگردان، روابط میان فردی شاگردان با یکدیگر و با کارمندان مدرسه و فضای اجتماعی مدرسه وجود دارد که هر یک می‌توانند در تربیت اقتصادی- حرفه‌ای نقش داشته باشند. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که تربیت اقتصادی- حرفه‌ای در

معاملات و التزام به اخلاق و ارزش‌ها در روابط اقتصادی از دیگر اهداف این آموزش‌هاست (وفائی، فضل الهی قمشی، طالعی فرد، ۱۳۹۶). صاحب‌نظران در این حوزه برداشت‌های متفاوتی از مفهوم تربیت اقتصادی داشته‌اند. از جمله این که مهارت‌ها و توانمندی‌هایی که موجب می‌شود تا دانش اقتصادی به دانش‌آموزان ارایه شود، در زمره تربیت اقتصادی قرار می‌گیرد. الزامات آن عبارتند از: تدارک محتوای آموزشی، روش‌های تدریس و ارزشیابی (علی پور، ناطقی، فقیهی، ۱۳۹۵). در جامعه‌ی اسلامی نیز آموزه‌هایی وجود دارد که در آن بر ضرورت تربیت اقتصادی- حرفه‌ای تأکید شده است از منظر این آموزه‌ها تربیت اقتصادی اسلامی عبارت است از ایجاد آمادگی‌های لازم در مرتبه‌ی به نحوی که ضمن شناختن استعداد اقتصادی خود بتواند آن را به بهترین وجه شکوفا کند و با اتخاذ میانه‌روی از منابع موجود به نحوی بهره‌برداری کند که ممکن و میسر باشد و در طریق تولید، توزیع و مصرف شریعت‌الهی را در نظر گرفته، در جهت قرب‌الهی و کسب رضای او به انجام رساند (ایمانی، ۱۳۹۱، ص ۱۶). با توجه به مراتب مذکور در تعریف جامع تربیت اقتصادی- حرفه‌ای آمده است: کلیه فعالیت‌های آموزشی متناسب با سطح دانش، مهارت و نگرش مرتبه‌ی به منظور ایجاد توانمندی‌های لازم در او با هدف کسب قدرت در تولید یا بهره‌برداری از منابع موجود به بهترین وجه برای به دست آوردن درآمدی مشروع، توزیع ثروت میان همه افراد جامعه و میانه‌روی در مصرف و بهره‌مندی از آن با در نظر گرفتن شریعت الهی به منظور رسیدن به

بر همین اساس است که در این تحقیق به منظور دست‌یابی به جایگاه تربیت اقتصادی و حرفه‌ای محتوای این برنامه‌های درسی مورد بررسی قرار گرفته است. مروری بر تحقیقات انجام شده در عرصه تعلیم و تربیت نشانگر آن است که چگونگی تربیت اقتصادی- حرفه‌ای در مدارس کمتر موضوع پژوهشی واقع شده است. در هر صورت نتایج اندک تحقیقات انجام شده در ارتباط با این حوزه نشانگر آن است که تربیت اقتصادی- حرفه‌ای در سطح مدارس همواره با چالش و نقصان مواجه بوده است (ابراهیمی، ۱۳۹۵، ص ۴۸). این درحالی است که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای ساحت تربیتی اقتصادی و حرفه‌ای اهداف ویژه‌ای در نظر گرفته شده است که می‌بایست در مدارس آموزش داده شوند؛ لذا آموزش و پرورش ناگزیر است در برنامه‌های درسی خود اهداف آموزشی متناسب با مؤلفه‌های تربیت اقتصادی را طراحی نماید (ملکی، ۱۳۹۴، ص ۳۹). به ویژه در دوره‌ی متوسطه که هدایت دانش‌آموزان در مسیر شغلی و حرفه‌ای صورت می‌گیرد، مسئولیت‌پذیری تولیدی و اقتصادی بسیار حائز اهمیت است (فلاح و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۴۸). در پژوهشی گزارش شده است برنامه‌های درسی متضمن ارتقای سواد مالی دانش‌آموزان نیستند در حالیکه برنامه درسی آشکار فرصت بسیار مغتنمی است تا کسب قابلیت تدبیر زندگی و سازوکارهای آن به دانش‌آموزان آموزش داده شود (آقازاده، ۱۳۹۶، ص ۲۴). از آنجا که برنامه‌های درسی چه آشکار و چه پنهان در تحقق اهداف نظام آموزشی از جمله

مدرسه از دامنه‌ی وسیعی برخوردار است که در قالب برنامه‌های آشکار و پنهان قابل ردیابی می‌باشد (محبوبی و کریمی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۳). در جامعه ما وضعیت دیگری حاکم است. دانش‌آموختگان نظام آموزشی کشور که وارد زندگی خانوادگی و عهده‌دار مسئولیت‌های اجتماعی مختلف می‌شوند، به نحو نظام‌مند واجد اطلاعات مورد نیاز از مفاهیم و اصول اولیه اقتصادی- حرفه‌ای نیستند. به طوری که نه در زندگی فردی خود و نه در مواجهه با موقعیت‌ها و شرایطی که سابقه اقتصادی- حرفه‌ای دارند، آن‌گونه که باید و شاید حضور دارند و نه در تفسیر و تعبیر جریان‌ات و تحولات وقایع اقتصادی- حرفه‌ای کشور، توانایی کافی از خود بروز می‌دهند (طغیانی، ۱۳۹۵). آموخته‌های قبلی آن‌ها چه رسمی و از طریق خانواده، نهادهای فرهنگی آموزشی و رسانه‌های مختلف به طور معمول ارتباط به مسائل و مفاهیم اقتصادی- حرفه‌ای و اقتضائات دنیای در حال تحول کنونی ندارد (عبدالمملکی، ۱۳۹۴، ص ۶۲). آموزش و پرورش به منظور اجرای تربیت اقتصادی - حرفه‌ای دانش‌آموزان اقدام به طراحی و اجرای برنامه درسی کار و فناوری در دوره‌های ابتدایی و متوسطه اول نموده است. در هر یک از پایه‌های هفتم تا نهم دوره اول متوسطه سرفصل‌های خاصی در نظر گرفته شده است که دانش‌آموزان طی آن با کاربرد فناوری در عرصه‌های کسب و کار آشنا می‌شوند. همچنین با انواع پودمان‌های مشاغل مختلف آشنا شده، برخی از آن‌ها را در قالب فعالیت‌های کلاسی و غیرکلاسی تجربه می‌کنند.

اقتصاد به اجرا درمی‌آورند. بررسی و مطالعه‌ی این تجربیات جهانی بخصوص در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد آن‌ها برای مقاطع سنی گوناگون از کودکی تا بزرگسالی، به گونه‌ای نظام‌مند اقداماتی انجام داده‌اند تا به این وسیله بتوانند نسلی را برای ورود به عرصه‌ی اجتماع آماده کنند. در واقع هدف از این آموزش‌ها این است که نه تنها مفاهیم اقتصادی را بدانند، بلکه به بهترین وجه، مهارت-های تفکر اقتصادی را کسب کنند و ضمن بهره-مندی از یک منطق فکری، قابلیت تحلیل شرایط مختلف اقتصادی و تصمیم‌گیری و انتخاب بهینه را داشته باشند (طغیانی و زاهدی وفا، ۱۳۹۱).

تربیت اقتصادی - حرفه‌ای^۲

تربیت کلیه فعالیت‌های آموزشی متناسب با سطح دانش، مهارت و نگرش متربی به‌منظور ایجاد توانمندی‌های لازم در او با هدف کسب قدرت در تولید یا بهره‌برداری از منابع موجود به بهترین وجه برای به دست آوردن درآمدی مشروع، توزیع ثروت میان همه افراد جامعه و میانه‌روی در مصرف و بهره‌مندی از آن با در نظر گرفتن شریعت الهی به‌منظور رسیدن به کمال و سعادت مطلوب است (موسی زاده و دیگران، ۱۳۹۴). در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مؤلفه‌های تربیت اقتصادی - حرفه‌ای در قالب مواردی چون درک و فهم مسائل اقتصادی، درک مهارت حرفه‌ای، التزام به اخلاق حرفه‌ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره‌وری، حفظ و توسعه ثروت، بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب‌وکار، احکام و

تحقق تربیت اقتصادی و حرفه‌ای در فراگیران به عنوان عامل محوری محسوب می‌گردند و با توجه به تغییراتی که در محتوای برنامه‌های درسی در راستای تحقق اهداف مطرح شده در اسناد بالادستی رخ داده است، انتظار می‌رود که در برنامه‌های درسی به ویژه برنامه‌های درسی دوره دوم متوسطه به عنوان دوره‌ای که پایان آن ممکن است برای برخی از فراگیران با دوره استقلال اقتصادی یا آماده شدن برای آن همراه باشد به تربیت اقتصادی و حرفه‌ای توجه ویژه‌ای در برنامه‌های درسی شده باشد. انتظاری که به کمک نتایج حاصل از ارزیابی برنامه‌های درسی آشکار و شناسایی برنامه‌های درسی پنهان در این ارتباط می‌توان به تحققش امیدوار بود. لذا با توجه به اهمیت تربیت اقتصادی - حرفه‌ای فراگیران این پژوهش در راستای کمک به تحقق اهداف تربیت اقتصادی - حرفه‌ای طراحی و به مورد اجرا گذاشته شد؛ نهایت سعی این پژوهش پاسخگویی به این پرسش بوده است:

جایگاه تربیت اقتصادی و حرفه‌ای در برنامه درسی آشکار و پنهان دوره متوسطه دوم چگونه است؟ به منظور رسیدن به سطح مطلوب چه الگویی قابل ارائه است؟

ادبیات نظری:

تربیت اقتصادی

امروزه در ادبیات متعارف مراد از «تربیت اقتصادی»^۱ برنامه‌ها و اقداماتی است که اغلب کشورهای پیشرفته برای فرهنگ‌سازی در حوزه‌ی

^۲ Economical vocational Training

^۱ Economic education

استخراج گردید. حاصل این فرایندها منجر به شکل‌گیری الگوی مذکور شد.

اعتبار الگوی تربیت اقتصادی - حرفه‌ای^۲

اعتبار تکنیکی است که در مطالعات پژوهشی اعم از کمی و کیفی انجام می‌شود تا مطلوبیت و مقبولیت یک الگو مورد قبول واقع شود. در تحقیقات کیفی و کمی راه‌کارهای متنوعی برای تأمین اعتبار الگوها پیش‌بینی شده است مانند اعتبار درون‌گروهی. اعتبار برون‌گروهی، تکنیک اسکات و تکنیک تحلیل عاملی و غیره. (فتیحی و اجارگاه، ۱۳۸۱، دانایی فرد ۱۳۹۰). در این مقاله برای اعتبار الگوی تربیت اقتصادی - حرفه‌ای از تکنیک اسکات بهره برداری شده است.

روش شناسی تحقیق

این تحقیق با روش کیفی با تأکید بر تحلیل کیفی استراس و کوربین انجام گرفته است. جامعه‌ی آماری را صاحب‌نظران دانشگاهی در حوزه‌های برنامه‌ریزی درسی، تربیت اقتصادی، شاغل در دانشگاه‌های شهر ایلام در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ دارای حداقل ده سال سابقه و تجربه‌ی فعالیت در این حوزه‌ها تشکیل داده‌اند. نمونه آماری را به اقتضای تحقیقات کیفی تعداد ۳۰ نفر از جامعه‌ی مذکور تشکیل داد. روش نمونه‌گیری در حد اشباع بوده است که تا کفایت داده‌ها تداوم داشت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه بوده است که تحلیل آن‌ها از طریق کدگذاری انجام گرفته است. در تحلیل داده‌ها از نرم افزار مکس کیودا ۱۱ بهره برداری گردید. این نرم افزار قابلیت آن را داشته است که با در اختیار داشتن فایل داده‌ها کدگذاری‌های انجام گرفته را شناسایی، طبقه‌بندی و پردازش نموده و با ترسیم جداول و نمودار

معاملات، التزام به اخلاق حرفه‌ای بیان شده است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

در این مقاله جایگاه تربیت اقتصادی - حرفه‌ای بر اساس مولفه‌های (درک مهارت حرفه‌ای، التزام به اخلاق حرفه‌ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره‌وری، حفظ و توسعه ثروت، بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب‌وکار، احکام و معاملات، التزام به اخلاق حرفه‌ای) در برنامه درسی آشکار و نهان کار و فناوری پایه‌های اول تا سوم دوره متوسطه مورد توجه بود که از طریق تحلیل محتوای برنامه‌های درسی کار و فناوری و نیز نظرسنجی از دانش آموزان، و گفتگو با اساتید هیات علمی دانشگاه فرهنگیان انجام گرفته است.

الگوی تربیت اقتصادی - حرفه‌ای^۱

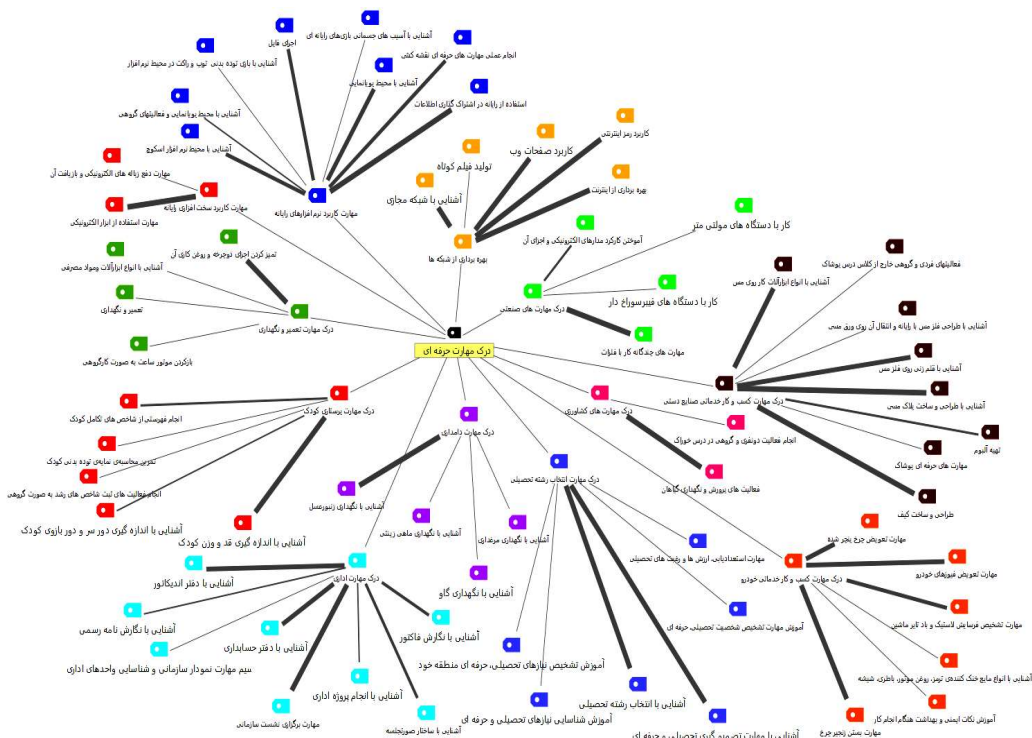
الگوی تربیت اقتصادی عبارتند از: طرح‌واره‌های مفهومی و نظام‌مند متشکل از عناصر مربوط به جریان این تربیت و روابط میان آن‌ها که به صورت مستدل، هدایت‌گر نظام تربیت اقتصادی - حرفه‌ای در تربیت رسمی و عمومی باشد. (طغیانی، ۱۳۹۵).

در این مقاله دستیابی به الگوی تربیت اقتصادی - حرفه‌ای به دو طریق انجام گرفت. ابتدا اسناد موجود مطالعه گردید و مؤلفه‌های تربیت اقتصادی و حرفه‌ای استخراج گردید. پس از آن اقدام به طراحی پرسشنامه‌ای نیمه ساختاریافته گردید که گروه خبرگان و صاحب‌نظران دانشگاهی به آن پاسخ دهند. همچنین در مصاحبه با دانش آموزان نیز داده‌های تکمیلی الگوی تربیت اقتصادی - حرفه‌ای

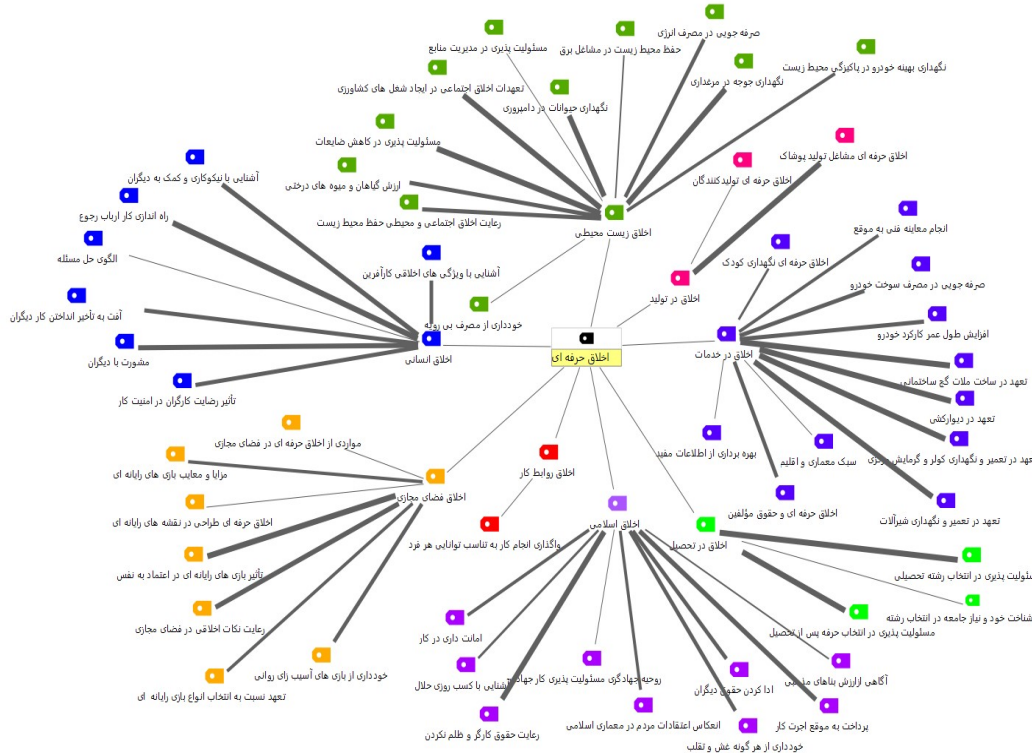
² Traditional economic training pattern validity

¹ Traditional economic training pattern

درختی محورها و مقوله‌های شناسایی شده را آشکار نموده و نمایش دهد.



شکل ۱- نمایش کدهای باز و محوری مصاحبه با دانش آموزان در مورد درک مهارت حرفه‌ای



شکل ۲- نمایش کدهای باز و محوری مصاحبه با دانش آموزان در مورد اخلاق حرفه‌ای

جدول ۱- ضریب اهمیت مولفه‌های تربیت اقتصادی - حرفه‌ای

نتیجه	ضریب نزدیکی
درک مهارت حرفه‌ای	۰,۹۹۵۲
پرهیز از بیکاری	۰,۰۶۹
رعایت بهره‌وری	۰,۰۵۰۵
کارآفرینی	۰,۰۴۹
توسعه ثروت	۰,۰۴۸۷
اخلاق حرفه‌ای	۰,۰۴۴۴
قوانین کسب و کار	۰,۰۱۸۴
التزام به اخلاق و ارزش‌ها	۰,۰۱۵۱
عدالت اقتصادی	۰

به ترتیب مفاد شرایط علی، زمینه‌ها، مقوله محوری، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها فراهم گردید. مفاد هر یک از این پارامترها که لازمه طراحی الگو به روش استراس و کوربین بوده است بدین شرح به دست آمد.

- در شرایط علی: مقوله انگیزه درونی چهار مشخصه و مقوله انگیزه بیرونی شش مشخصه احصا گردید.
- در مورد زمینه‌ها: مقوله فضای آموزشی و کارگاهی چهار مشخصه، جو مدرسه چهار مشخصه و قوانین و مقررات مدرسه چهار مشخصه احصا گردید.
- در مورد مقوله محوری: دو محور تربیت اقتصادی - حرفه‌ای و خودباوری به دست آمد.
- در مورد شرایط مداخله‌گر: عامل فردی دو مشخصه، عامل آموزشی چهار مشخصه، عامل فرهنگی سه مشخصه احصا گردید.

در جدول شماره (۱) ضرایب اهمیت هر یک از مولفه‌های تربیت اقتصادی - حرفه‌ای در کتاب درسی کار و فناوری پایه هفتم انعکاس داده شده است. این ضرایب به ترتیب اهمیت و بیشترین قدرمطلق درج گردیده، به طوری که مشاهده می‌شود بیشترین تأکید به مولفه درک مهارت حرفه‌ای بوده است و کمترین تأکید به عدالت اقتصادی بوده است.

یافته‌های تحقیق

به منظور طراحی الگوی مطلوب تربیت اقتصادی - حرفه‌ای، ابتدا متون معتبر انتشار یافته در این زمینه مطالعه و بررسی گردید. سپس به طراحی ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه مبادرت شد. و مخاطبان ابزارها تجارب زیسته‌ی خود را در آن‌ها انعکاس دادند. در تحلیل کیفی داده‌های جمع‌آوری شده از روش تحلیل کیفی استراس و کوربین بهره‌برداری گردید. در این روش سه گام کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت تا

معلمان مجرب کار و فناوری دوره اول متوسطه قرار گرفت تا ضمن کنترل کدگذاری‌های محوری، ساختار و محتوای آن بررسی شود. این افراد خارج از مشارکت کنندگان در تحقیق بوده است. در این فرایند پس از هم‌اندیشی و لحاظ نمودن پیشنهادهای آن‌ها مدل پارادایمی تربیت اقتصادی - حرفه‌ای با تأکید بر نظریه‌ی داده بنیاد به توافق لازم دست یافت. در مجموع می‌توان گفت اعتبار یابی این الگو در دو مرحله‌ی کیفی «تطبيق توسط اعضای مشارکت کننده در تحقیق» و نیز بررسی «همکاران دانشگاهی خارج از همکاران تحقیق» انجام گرفت تا در نهایت ساختار و محتوای آن به تایید لازم دست یافت. قابل ذکر است در این روش کیفی تلاش گردید تا محقق از حساسیت‌های نظری بهره‌برداری نموده، ضمن پرهیز از تعصبات فکری رویکرد بی‌طرفی را لحاظ نموده، در بررسی متون مصاحبه‌ها، نگار یادداشت‌ها، طبقه‌بندی و کدگذاری آن‌ها و نیز مشارکت در جلسات هم‌اندیشی زمان کافی اختصاص داده، معیار اساسی را بر معرف بودن مفاهیم قرار دهد. در مراحل طراحی الگو و کدگذاری انتخابی از حساسیت نظری محقق به گونه‌ای بهره‌برداری شد که تأمین کننده روایی مفاد الگو باشد. محقق در رشته برنامه‌ریزی درسی تحصیلات تخصصی خود را به پایان می‌برد و الزامات یک برنامه درسی اثر بخش آگاه بوده است. هم‌چنین در پُست آموزش دانشگاه شاغل بوده و اجد تجارب زیسته در این حوزه است. در گزینش اساتید دانشگاه فرهنگیان برای پاسخگویی به ابزار تحقیق نهایت دقت نظر

- در مورد راهبردها: مقوله تربیت اقتصادی چهار مشخصه، تربیت حرفه‌ای چهار مشخصه، مقوله ارتقاء تجارب زیسته در کسب‌وکار سه مقوله به دست آمد.

- در مورد پیامدها: در مجموع تعداد نه مشخصه احصا گردید.

حاصل این مقوله‌ها و مشخصه‌ها در قالب یک الگو طراحی شد که در ادامه این نوشتار ارائه شده است. مطلوبیت این الگو به چند ویژگی فنی بستگی دارد که به ترتیب عبارتند از: اعمال حساسیت نظری محقق، رعایت الزامات تحقیق کیفی، رعایت ترتیب و توالی گام‌ها طراحی الگو، ارزیابی فنی الگو از یک روش معتبر. قابل ذکر است رعایت این ویژگی‌های فنی در پاسخ به همین پرسش پژوهش که ویژه اعتبار الگو مطرح شده است تشریح گردیده است.

در فرایند کیفیت تحلیل مصاحبه‌ها، متون به دست آمده چندین نوبت مطالعه گردید تا ضمن انجام کد گذاری‌ها بتوان الگوی مبتنی بر تکنیک استراس و کوربین را طراحی نمود و با داده‌ها و مدل‌های قبلی موجود در منابع انتشار یافته، مقایسه نمود. پس از این مرحله و تنظیم الگوی طراحی شده مفاد آن در اختیار دو نفر از مشارکت کنندگان در تحقیق (یک نفر استاد دانشگاه، یک نفر معلم کار و فناوری دوره اول متوسطه) قرار گرفت تا مورد بازبینی قرار گیرد. در این مرحله برخی از پیشنهادهای مطرح شده‌ی اعضا در قالب یک هم‌اندیشی مشترک اعمال گردید. در نوبتی دیگر الگوی به دست آمده در اختیار یک نفر از اساتید دانشگاه فرهنگیان و یک نفر دیگر از

دست آمد که مفاد کامل آن در الگویی که متعاقباً ارائه‌گریده ذکر شده است. در ضمن در این الگو الزامات تربیت آشکار و ضمنی در نظر گرفته شده است که مجریان آن برای دستیابی به اهداف مربوطه اقدامات عملیاتی و برنامه‌ریزی شده داشته باشند. بنابراین این الگو می‌تواند در دوره اول متوسطه کاربرد داشته باشد. قابل ذکر است در مراحل طراحی الگو و کدگذاری انتخابی از حساسیت نظری محقق به گونه‌ای بهره‌برداری شد که تأمین‌کننده روایی مفاد الگو باشد. محقق در رشته برنامه‌ریزی درسی تحصیلات تخصصی خود را به پایان می‌برد و الزامات یک برنامه درسی اثر بخش آگاه بوده است. هم‌چنین در پُست آموزش دانشگاه شاغل بوده و اجد تجارب زیسته در این حوزه است. در گزینش اساتید دانشگاه فرهنگیان برای پاسخگویی به ابزار تحقیق نهایت دقت نظر را داشته به‌طوری که آن‌ها در آموزش‌های «تربیت اقتصادی - حرفه‌ای» بخصوص ماده درسی کار و فناوری صاحب تجربه باشند. این موارد به موجب روش تحقیق کیفی استراس و کوربین در زمره «حساسیت نظری» محسوب شده که موجب تأمین بخشی از روایی الگو تلقی می‌شود

در این مقاله اساتید دانشگاه فرهنگیان به عنوان گروه بازیگر در عرصه‌های علوم تربیتی و برنامه‌ریزی درسی تجارب زیسته‌ی خود را در طول مصاحبه‌ها عرضه کردند. آن‌ها در طراحی و اعتباریابی مشارکت داشتند. بنابراین پژوهشگر نهایت سعی خود را مبذول داشت تا حداکثر بهره‌برداری لازم از خردورزی، در فرآوری داده،

را داشته به‌طوری که آن‌ها در آموزش‌های «تربیت اقتصادی - حرفه‌ای» بخصوص ماده درسی کار و فناوری صاحب تجربه باشند. این موارد به موجب روش تحقیق کیفی استراس و کوربین در زمره «حساسیت نظری» محسوب شده که موجب تأمین بخشی از روایی الگو تلقی می‌شود. در این تحقیق اساتید دانشگاه فرهنگیان به عنوان گروه بازیگر در عرصه‌های علوم تربیتی و برنامه‌ریزی درسی تجارب زیسته‌ی خود را در طول مصاحبه‌ها عرضه کردند. آن‌ها در طراحی و اعتباریابی مشارکت داشتند. بنابراین پژوهشگر نهایت سعی خود را مبذول داشت تا حداکثر بهره‌برداری لازم از خردورزی، در فرآوری داده، تحلیل، تفسیر، طراحی الگو و اعتباریابی آن به سرانجام برساند.

این الگو شامل سرفصل‌ها و عواملی به شرح زیر است:

شرایط علی: انگیزه‌های درونی، انگیزه‌های بیرونی
زمینه‌ها: فضای آموزشی و کارگاهی، جو مدرسه، قوانین و مقررات

شرایط مداخله‌گر، عوامل فردی، عوامل آموزشی، عوامل فرهنگی

راهبردهای تربیت اقتصادی و حرفه‌ای: تربیت اقتصادی، تربیت حرفه‌ای، ارتقای تجارب زیسته در کسب و کار

پیامدها: شامل انواع آمادگی‌های شغلی و حرفه‌ای و توانمندی‌های اقتصادی - حرفه‌ای

محور اصلی، تربیت اقتصادی و حرفه‌ای
قابل ذکر است در این الگو برای هر یک از مفاهیم ذکر شده زیر مقوله‌های دیگری نیز به

در نوبت دوم گروه دو نفری خارج از تیم تحقیق انتخاب شدند. در این ارزیابی ضریب توافق بدین شرح به دست آمد.

$$P_i = \frac{95 - 78}{1 - 78} = 0.772$$

بدین ترتیب در هر دو نوبت ضریب اعتبار به دست آمده بالای ۰/۷۰ بوده است که از لحاظ آماری پذیرفته و قابل قبول است. می توان گفت ارزیابان الگوی تربیت اقتصادی - حرفه ای در الگوی به دست آمده توافق داشتند این ارزیابی در ابعاد ساختاری و محتوایی انجام گرفت.

تحلیل، تفسیر، طراحی الگو و اعتباریابی آن به سرانجام برساند. در راستای اعتبار یابی الگوی تربیت اقتصادی و حرفه ای از اعتبار یابی اسکات بهره برداری گردید.

در اعتباریابی انجام شده در یک نوبت گروه دو نفری ارزیاب از اعضای تیم تحقیق انتخاب شدند. در این ارزیابی آنها این ضریب به دست آمد.

$$P_i = \frac{95 - 80}{1 - 80} = 0.75$$



شکل شماره ۲- الگوی تفصیلی تربیت اقتصادی و حرفه ای دانش آموزان در دوره اول متوسطه

ص ۱۸۹) می‌توان گفت الگوی پیشنهادی طراحی شده تربیت اقتصادی - حرفه‌ای از اعتبار کافی برخوردار بوده است.

بحث و نتیجه گیری:

این تحقیق با هدف اعتباریابی و طراحی الگوی تربیت اقتصادی - حرفه‌ای دانش آموزان دوره اول متوسطه انجام گرفته است. روش تحقیق کیفی ولی کاربردی بوده، تحلیل داده‌ها بر اساس کیفی استراس و کوربین صورت گرفته است. تحلیل محتوای برنامه‌های درسی کار و فناوری دوره اول متوسطه نشان داد که درک مهارت حرفه‌ای در پایه هفتم به میزان ۶۶/۶ درصد، در پایه هشتم ۷۵/۴ درصد و در پایه نهم به میزان ۶۱/۵ درصد مورد توجه قرار گرفته است. در مرحله دوم مصاحبه با دانش آموزان از برنامه‌های درسی آشکار در حیطه درک مهارت حرفه‌ای انجام گرفت. در این مصاحبه تعداد ۸۴۴ کد باز، ۱۵ کد محوری برای کد اصلی درک مهارت حرفه‌ای شناسایی گردید. این کدها نشان دهنده تنوع درک مهارت حرفه‌ای و کیفیت آن بوده است. در مرحله سوم مصاحبه با دانش آموزان از نگاه تربیت ضمنی فضای آموزشی و کارگاهی و تجهیزاتی درک مهارت حرفه‌ای انجام گرفت. در این مصاحبه نیز تعداد ۲۲۶ کد باز، ۵ کد محوری برای کد اصلی فضای آموزشی و کارگاهی به دست آمد که نشان دهنده کیفیت مطلوب آن است. نتایج نشان داد که شاخص‌های برنامه درسی آشکار به موازات شاخص‌های برنامه درسی ضمنی در بهینه سازی یادگیری و اصلاح

از آنجا که طراحی هر گونه الگو نیازمند اعتباریابی و کسب اطمینان از صحت مفاد آن می‌باشد، در این مقاله نیز از روش‌های کیفی و کمی بهره‌برداری گردید تا اعتبار الگوی پیشنهاد شده تأمین گردد.

به منظور اعتباریابی الگوی به دست آمده از دو روش ارزیابی درونی و بیرونی استفاده گردید. در گام نخست از دو نفر از افراد صاحب‌نظر و مجرب خارج از تیم تحقیق دعوت به عمل آمد تا الگوی به دست آمده را به لحاظ ساختاری و محتوایی مورد ارزیابی قرار دهند. میزان توافق آنها بر سر مفاد الگو چنانچه رقم ۷۰٪ و بالاتر را نشان دهد، نشان دهنده اعتبار الگو خواهد بود. قابل ذکر است پس از ارزیابی انجام گرفته قدر مطلق - های میزان توافق آنها از طریق فرمول اسکات مورد سنجش قرار گرفت. در این محاسبه رقم ۷۵٪ به دست آمد که نشان دهنده اعتبار الگو بوده است.

در مرحله‌ای دیگر، برای ارزیابی از دو نفر از افراد صاحب نظر و مجرب، مشارکت کننده در تحقیق دوباره دعوت گردید تا الگوی به دست آمده را به لحاظ ساختاری و محتوایی مورد ارزیابی قرار دهند. حاصل این ارزیابی با کسب ضرایب توافق آنها و قرار دادن در فرمول اسکات و محاسبه ضریب نهایی رقم ۷۷۲/۰ را به دست داد. در این نوبت نیز اعتبار الگو تأمین گردید. با توجه به این که در هر نوبت ارزیابی‌های درونی و بیرونی ضریب اعتبار بالای ۷۰٪ به دست آمد، بر اساس روش تحقیق کیفی کرینپدورف (۱۳۸۳،

قابل ذکر است که در بسط عدالت اقتصادی نقش مدیر مدرسه در ایجاد فرصت ها و موقعیت های معطوف به فعالیت های عدالت اقتصادی در مدرسه بسیار پررنگ است. در این مصاحبه مشخص گردید بیش از نیمی از مدیران رابطه مدار بوده که می توانسته اند. در بسط عدالت اقتصادی نقش داشته باشند. با توجه به شواهد مذکور توجه به بسط عدالت اقتصادی در دوره اول متوسطه ضعیف ارزیابی می شود. پیشنهاد می شود درک مهارت حرفه ای با همان قوتی که در برنامه های درسی آشکار تدارک گردیده و تا حداکثر ممکن عناصر برنامه های درسی معطوف به آن بوده اند، ترتیبی اتخاذ گردد تا در برنامه های ضمنی نیز چنین اهمیتی تدارک گردد. در این راستا پیشنهاد می شود فضای آموزشی، کارگاهی و تجهیزاتی به تناسب نیازمندی های برنامه های درسی و تراکم دانش آموزان به گونه ای در نظر گرفته شود که مؤلفه های تربیت ضمنی تأثیر مثبت خود را بیش از گذشته آشکار سازد. پیشنهاد می شود در برنامه های درسی آشکار کار و فناوری ساز و کارهای پررنگ تری در متن، تصویر و فعالیت های یادگیری تدارک شود تا این محتوا اثربخشی بیشتری داشته باشد. همچنین پیشنهاد می شود در این برنامه درسی چک لیستی گنجانیده شود که دانش آموزان و معلمان انواع رفتار اخلاقی را که در حین فعالیت های یاددهی - یادگیری مشاهده می کنند، ثبت و ارزیابی نمایند - تربیت اخلاقی تا زمانی که به رفتار تبدیل نشود به یادگیری تبدیل نمی شود. در تربیت ضمنی نیز انتظار می رود رفتار دانش آموزان با یکدیگر و

رفتار دانش آموزان اثرگذار است. همچنین یافته ها نشان می دهند که پرداختن به ترتیب اقتصاد حرفه ای با تأکید بر درک مهارت حرفه ای در بسیاری از نظام های آموزشی مورد تأکید بوده، از ضرورت های آموزش و پرورش نوین به شمار می رود و در ابعاد آشکار و ضمنی به آن پرداخته می شود. یافته ها نشان می دهند که امروزه کارآفرینی در رسالت نظام های آموزشی قرار داشته که در ابعاد آشکار و پنهان به آن توجه شده است و این یافته در راستای نتایج معطوف به سؤال پژوهش است. تحلیل محتوای برنامه های درسی کار و فناوری دوره اول متوسطه نشان داد که اهتمام به بسط عدالت اقتصادی در پایه هفتم به میزان ۰/۳ درصد، در پایه هشتم ۰/۹ درصد و در پایه نهم صفر درصد بوده است. تکنیک آنتروپی شاتون ضرایب اهمیت این مقادیر را در پایه هفتم صفر، در پایه هشتم ۰/۰۰۹ و در پایه نهم صفر اعلام نمود. این ضرایب اهمیت در پایین ترین سطح ممکن و غیرقابل قبول ارزیابی می شود. در مرحله دوم مصاحبه با دانش آموزان از برنامه درسی آشکار در حیطه بسط عدالت اقتصادی انجام گرفت. حاصل این مصاحبه در قالب ۸۹ کد باز و ۴ کد محوری طبقه بندی گردید که یکی از کدهای محوری «چیزی درباره عدالت نیاموختم» بود. این یافته ها از کمیت و کیفیت قابل قبولی برخوردار نبوده اند. در مرحله سوم مصاحبه با دانش آموزان از نگاه تربیت ضمنی انجام گرفت. حاصل این مصاحبه در قالب ۱۹۲ کد باز، تعداد سه کد محوری تحت عنوان کد اصلی پشتیبانی مدیر مدرسه به دست آمد.

محیط اجتماعی خود، اخلاقی باشد. پیشنهاد می‌شود مدیران و معلمان که دست اندر کار تربیت اقتصادی و حرفه‌ای دانش آموزان هستند، به مفاد این الگو توجه نمایند. زیرا در این الگو شرایط، زمینه‌ها، راهبردها و پیامدهای مورد انتظار تربیت اقتصادی و حرفه‌ای ترسیم گردیده، به گونه‌ای که می‌تواند برنامه ریزی‌ها، فرایندها و برون داد دست اندرکاران آموزش کار و فناوری یا تربیت اقتصادی - حرفه‌ای را رهنمون شود. همچنین این الگو می‌تواند مؤلفان کتب درسی کار و فناوری را که قصد تجدیدنظر و بهینه سازی این محتواها را دارند، ساز و کارهای عملیاتی داشته باشند. در این راستا پیشنهاد می‌شود مقاله منضم به الگوی مذکور در سطح ادارات آموزش و پرورش، مدارس و حوزه ستادی انتشار داده شود. پیشنهاد می‌شود در فعالیتهای یادگیری پایان هر درس رفتار عملی مبتنی بر رعایت قوانین هر کسب و کار ذکر شود تا معلمان و دانش موزان در عملیاتی نمودن آن ملزم باشند. تمرین چک لیستی که در آن قواعد کسب و کار ثبت می‌شود و مشاهده عینی دانش آموزان از مراعات قوانین کسب و کار در بنگاه‌های تولیدی، خدماتی و اجتماعی می‌تواند مصداق مناسبی از کسب تجربه در این زمینه باشد. بنابراین بازدیدهای مستمر و هدفمند دانش آموزان در این عرصه‌ها بسیار کارساز خواهد بود

منابع

۱. آقازاده، احمد. (۱۳۹۶). آموزش و پرورش تطبیقی. تهران: انتشارات سمت.
۲. آریان‌فر، مرجان. (۱۳۹۵). تحلیل وضع موجود تربیت اقتصادی در برنامه درسی دوره متوسطه از دیدگاه دانش آموزان و معلمان. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی جنوب.
۳. ایمانی، محسن. (۱۳۹۱). تربیت اقتصادی در راستای تحقق تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی. مجله پیوند. (۳۹۱). ۱۶-۱۵.
۴. احدی، حمید و دیگران. (۱۳۹۴). کار و فناوری پایه هفتم. کد ۱۰۲. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۵. ابراهیمی هرستانی، اصغر؛ رضاپور، یوسف؛ طغیانی، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی مبانی دینی الگوی مطلوب برنامه‌درسی تربیت اقتصادی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی. فصل‌نامه علمی - پژوهشی رهیافت. ۱۰(۳۶). ۵۸-۴۱.
۶. ادیب، یوسف؛ ابراهیم هرستانی، اصغر. (۱۳۹۵). بررسی مبانی دینی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت اقتصادی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی. فصل‌نامه علمی - پژوهشی رهیافت. ۱۰(۳۶). ۵۸-۴۱.
۷. بصیرتی بزرگی، زهرا. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی اهداف اقتصادی- حرفه‌ای سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت ایران و نظام آموزش ژاپن در مقطع ابتدایی و راه‌کارهای اجرایی آن.
- پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه روانشناسی و علوم تربیتی.
۸. پیغامی، عادل؛ تورانی، حیدر. (۱۳۹۵). نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه‌ی تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا: ارایه یک برنامه عمل برای یک برنامه درسی مغفول. فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی. ۹(۳۷). ۵۲-۳۱.
۹. شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران: دبیرخانه شورا.
۱۰. طیبی، عماد. (۱۳۹۶). لزوم تربیت اقتصادی در نظام آموزش و پرورش. در www.rooyeshnews.com از: ۱۳۹۷/۵/۱۵.
۱۱. علی‌پور، فاطمه؛ ناطقی، فائزه، فقیهی، علیرضا. (۱۳۹۵). شناسایی مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در برنامه‌های درسی بر اساس نظریه داده بنیاد. دومین کنفرانس بین‌المللی مهندسی و علوم کاربردی. دبئ: مؤسسه مدیران ایده پرداز ویرا.
۱۲. عبدالملکی، حجت‌اله. (۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی؛ مبانی سیاست‌ها و برنامه عمل. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۱۳. فلاح، وحید؛ پیرمانی، ابوالقاسم؛ نیازآذری، کیومرث؛ مؤمنی، همایون؛ مهدوی، هیلدا. (۱۳۹۱). بررسی نقش مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان بر یادگیری دانش‌آموزان در مدارس متوسطه. فصل‌نامه مدیریت. (۹). ۵۱-۴۵.

۱۴. کاظم پور، اسماعیل. (۱۳۹۸). ارائه مدل آموزش اقتصاد خانواده برای دانش آموزان، فصل نامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. ۱ (۲)، ۹۵-۱۱۲.
۱۵. موسی‌زاده، زهره؛ عظیم زاده اردبیلی، فایزه؛ صنعتی، فاطمه. (۱۳۹۶). کاربست مؤلفه‌های حوزه‌ی توزیع تربیت اقتصادی در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آموزه‌های اسلامی. دو فصل نامه علمی ترویجی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام. ۳ (۵). ۲۰ - ۵.
۱۶. طغیانی، مهدی؛ زاهدی وفا، محمدهادی. (۱۳۹۵). امکان بهره‌گیری از آثار تمدن اسلامی در طراحی و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی فرهنگ اقتصادی. مجله معرفت اقتصاد اسلامی. ۲ (۲). ۷۶ - ۵۵.
۱۷. میرحسینی، ملیحه؛ اخوت، علی محمد. (۱۳۹۵). اهمیت تعلیم و تربیت اقتصادی برای دانش آموزان. اولین همایش ملی تازه‌های تازه - های تعلیم و تربیت در نظام آموزشی ایران. اردکان: دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۸. محبوبی، طاهر؛ کریمی، سیدبهاء الدین، محبوبی، کمال. (۱۳۹۶). بررسی رابطه درسی پنهان با باورهای انگیزشی و کارآفرینی دانشجویان دانشگاه پیام نور. فصل نامه علمی - مجازی. ۵ (۳). پیاپی ۱۹. ۱۰۹ - ۱۰۱.
۱۹. ملکی، حسن. (الف ۱۳۹۴). برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل). چاپ دهم. مشهد: انتشارات پیام اندیشه.
۲۰. نعیم آبادی، غلامعلی. (۱۳۹۳). مبانی دینی اقتصاد مقاومتی. قم: انتشارات رشید.
۲۱. هاشمی، احمد، خدابخشی، فاطمه. (۱۳۹۶). برنامه درسی پنهان و نقش آن در مدارس. مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری. ۲ (۸). ۴۰ - ۲۸.
۲۲. وفایی، رضا. (الف ۱۳۹۶). بررسی میزان توجه به ساحت‌های ششگانه تربیت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی. رساله دکتری دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی: دانشگاه علامه طباطبایی.
23. Bahadur Khadka, Chakra. (2016). Effectiveness of Teaching Economics in Higher Secondary School Level, Nepal. Economic Journal of Development Issues. Vol. 21 and 22. (1-2).
24. Broadbridge, A. & Raikes, L. (2014). Report building Economic resilience an analysis of local enter Prisepartner ships, Institute for public policy research from www. ippr. org.
25. Pridan, Aija. (2017). The study on competence-based curriculum implementation in the subject home economics and technologies. Rural environment Education. London Pers.
26. Swedberg, R. (2011). The economic Sociologies of pierre Bourdieu cultural sociology. 5(1). 67-82.
27. Motunrayo ojo, Gbemisola. (2016). Factors Attaching Effective Teaching and Learning of Economics in Some Ogbomosho High Schools, Oyo State, Nigeria. journal of Education and Practice. vol7(28).
28. Oran Semper, Jose Victor. (2018). Revealing the Hidden Curriculum in Higher Education. pridane.